

طرح خودگردانی "هیئت ویژه دولت" نادیده گرفتن خواست و اراده خلق کرد است

هیات ویژه دولت در مذاکرات صلح کردستان، طرح خود را رسماً اعلام کرد. این طرح که با نام "طرح خودگردانی" ارائه شده است در حقیقت مواضع هیئت حاکمه را در برابر مطالبات حق طلبانه خلق کرد و دیگر خلق های ایران که برای رهایی از ستم قومی و ملی نیز مبارزه می کنند روشن می سازد.

روشن شدن مواضع هیئت ویژه دولت و اعلام رسمی آن، فصل تازه ای در مبارزات حق طلبانه خلق کرد باز می کند. اعلام رسمی این طرح سازماندهی مبارزه سیاسی جدیدی را در دستور اجزای سازمان های سیاسی خلق کرد قرار می دهد.

خلق کرد که از همان دوران سقوط رژیم منگور پهلوی بر حوصله مسالمت آمیز مساله کردستان پافشاری می نمود، این بار در فضای ناشی از پیروزی جنبش مقاومت، به حق انتظار داشت که نمایندگان دولت که نام هیئت حسن نیت بر خود نهاده است به حداقل خواست های خلق کرد پاسخ مثبت دهد و خود مختاری کردستان را در چارچوب ایران یکبارجه مستقل به رسمیت بشناسد.

علیرغم این انتظار، "هیئت ویژه دولت" تا به حال کوشیده است تنها نظریات یک جانبه خود را به پیش برد. این هیئت چشم خود را بر روی واقعیات موجود در کردستان بسته است و آشکارا اعلام می کند که به خواست های حق طلبانه خلق کرد که در راه تحقق آن مبارزهای حماسه آفرین و خونین راپشت سر نهاده است، بی اعتنا است.

این سیاست هیئت ویژه تا به حال در دو زمینه ادامه یافته است. از طرفی با تحریف حقایق و ادامه تبلیغات سوء می کوشد هیئت نمایندگان خلق کرد را جنگ افروز و مخالف صلح معرفی کند. این سیاست مزورانه به نحوی سازمان داده می شود تا اتحاد تاریخی نیروهای جنبش مقاومت را درهم ریخته و راه را برای نادیده رفتن حقوق اساسی خلق کرد و تحمیل نظریات "هیئت حاکمه" یا زعمای در این زمینه می توان از سیاست نمایندگی تراشی و انجام مذاکرات جداگانه نام برد که نمونه بارز آن قطع بی دلیل مذاکره با هیئت است. بقیه در صفحه ۲

شوراها در جهت قطع وابستگی گام برمیدارند

یکی از عمده ترین مسائلی که شورا های کارگری بعد از قیام با آن روبرو بوده اند، مسئله وابستگی واحدهای تولیدی بوده است. مسئله ای که همواره جلوی پای هر شورای واقعی وجود داشته است و موانعی جدی در راه کنترل تولید و توزیع به دست کارگران به وجود آورده است. نمونه چنین مشکلات و موانع زادر کارخانه الیاف و صنایع چوبی و غیره می توان ذکر کرد. در کارخانه الیاف، یکماه بعد از گرفتن کنترل تولید و توزیع به دست شورای کارگری و اخراج آلمانی ها، مواد اولیه (که از آلمان وارد می شد) تمام شد و شرکت آلمانی با تسهیلاتی که کارفرما از دادن مواد اولیه خودداری نمود. در نتیجه شورا با تعطیل کارخانه ورودی قرار گرفتن با کارگران مواجه گشت و مجبور به کناره گیری شد. همچنین در کارخانه صنایع چوب کارگران پس از بیرون راندن کارفرما از کارخانه و به دست گرفتن کنترل تولید و توزیع با تمام شدن مواد اولیه روبرو شدند که در نتیجه آن شورای کارگری منحل شد. ولی پس از چندی با روشن شدن ماهیت کارفرما و کمیته ای که باعث انحلال شورا شده بود، شورا دوباره با قدرت بیشتر به کار پرداخت اما هنوز هم مسئله وابستگی و کمبود مواد اولیه همچنان حل نشده باقی مانده است.

در شرایط کنونی بار شد مبارزات توده ها ورشد و گسترش جنبش کارگری، ما شاهد اقدامات ضد امپریالیستی کارگران در جهت قطع وابستگی بوده ایم. مبارزات چند ماهه کارگران و کارکنان مبارز شرکت های حفاری در جهت مصادره و ملی نمودن اموال شرکت ها و همچنین اقدامات شورای کارکنان خدمات ماشینی انفورماتیک وزارت آموزش و پرورش در جهت لغو قراردادها و ملی نمودن کامپیوتر های استجاری از این بقیه در صفحه ۲



چرا بازرگان و رفسنجانی از جاسوسی امیرانتظام دفاع می کنند؟

بدیال انتشار استاد مرکز جاسوسی امریکا که نشان می داد سخنگوی نخستین دولت جمهوری اسلامی جاسوس و عامل امپریالیسم امریکا است، آقای بازرگان، نخست وزیر دولت موقت و عضو شورای انقلاب به منظور تاز به سوی دست زد تا آب رفته را به سوی بازگرداندن و آقای رفسنجانی وزیر بقیه در صفحه ۷

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی «هرچه حیدر خان بگوید راست است» (ستارخان)

سال های تکوین انقلاب مشروطیت، سال های کودکی و جوانی حیدر عمو اوغلی، سال های تکوین انقلاب مشروطیت ایران است. نظام پوسیده ارباب و رعیتی و استبداد مطلقه فئودالی از همه سو حاصه راه بند کشیده است. مغز و گرسنگی توده های میلیونی دهقانان و بی چیزان شهری را به خانه خرابی و آوارگی می کشاند. بسیاری برای نامیدن و سایل معاش به کشورهای همجوار بخصوص به قفقاز مهاجرت می کنند. قید و بند های فئودالی پیشهوران و تجار ایرانی را در تنگنا قرار داده و راه رشدشان را مسدود

حیدر عمو اوغلی، نامی درخشان در تاریخ مبارزات مهنی است. در جنبش دمکراتیک امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران، نام "حیدر عمو اوغلی" به عنوان یکی از بانیان سوسال دمکراسی، انقلابی بزرگ مشروطیت، سازمان دهی برجسته و فدائی کبیر در خاطره خلق های فهرا مار ایران بر جای خواهد ماند.

حیدر عمو اوغلی در سال ۱۲۵۸ شمسی در ارومیه متولد شد. پدرش طبیب، با فرهنگ و دوست دار مردم بود. از این روحیدر عمو اوغلی در خانواده ای با فرهنگ و روشنفکر پرورش یافت.

شود که رهبری سیاسی جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران را به دست آورد و در راه ساختن ایران آزاد و دمکراتیک گام بردارد.

ما وظیفه خود می شناسیم که طبقه کارگران را با یاری دهم تا اهداف طبقاتی خود را در مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک بشناسد و در راه رهایی از سرمایه داری و بنای سوسیالیسم خود را تدارک ببیند.

امپریالیسم و صنعت نفت ایران کار حفاری چاه های نفت در ایران به صورت مستمر از اوایل قرن بقیه در صفحه ۵

نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان علیه شرکتهای امپریالیستی در جنوب

طبقه کارگران ایران و در رأس آن کارگران صنعت نفت درنا بودی رژیم سلطنتی نقش تعیین کننده و درجه اول داشتند. با این همماز آنجا که طبقه کارگران سازمان سیاسی خاص خود را نداشت و بر منافع طبقاتی خود آگاه نبود، توان و نیروی انقلابی آن در خدمت

در این شماره: مبارزات زحمتکشان ارومیه در صفحه ۵

گرامی باد یاد استاد مبارز دانشگاه شهید کامران نجات الهی در صفحه ۲

اقدامات وزیر جدید نفت علیه نفتگران آگاه و انقلابی در پوشش "پاکسازی" در صفحه ۷

تبلیغات توپنه گرانه توده ایها علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا در صفحه ۳

۴ صفحه ضمیمه کار شماره ۳۹

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران

طرح خودگردانی...

بقیه از صفحه ۱

نماینده کمی خلق کرد در مهاباد و مسافرت توطئه آمیز آقای داریوش فروهر به جنوب کردستان جهت نمایندگی ترافی است. ارائه طرح خود ساخته "خود گردانی" زمینه دیگری برای پیشبرد این سیاست ها است. این طرح که هیچگونه ارتباطی با خواست های عادلانه خلق کرد و مبارزه تاریخی آن ندارد در بهترین شکل خود چیزی بیشتر از پاره ای اختیارات محدود اداری و فرهنگی نیست که هیئت خاکمه کنونی برای جلوگیری از تمرکز اداری، خود را مجبور به اجرای آن یافته است. زیرا همان گونه که در سخنان اعضای هیئت ویژه مشاهده کرده ایم، آنها با بیان این که حقوق و مطالبات خلق کرد چیزی فراتر از مطالبات مردم تهران و فارس نیست اساساً ماهیت ستم ملی را تحریف می کنند و می گویند برخاسته های حق طلبانه خلق کرد که مصمم است برای تحقق آنها تا پای جان ایستادگی کند، پوشش بگذارند.

این سیاست دامنه همان سیاستی است که می خواهد مبارزه عادلانه خلق کرد و دیگر خلق های تحت ستم را برای ایستادگی و کسب خود مختاری سرکوب کند. این سیاست ادامه همان سیاستی است که در برابر جنبش مقاومت خلق کرد شکست خورده است.

این سیاست نشان می دهد که چه کسانی جنگ طلب هستند و از صلح عادلانه "در کردستان" می ترسند. چرا که چنین صلحی را مغایر منافع خود می دانند. این سیاست تنها زمینه را برای تکرار فحایم شرم آور گذشته فراهم می آورد و در خدمت سرکوبگران قرار دارد.

سازمان مادر مورد مسئله کردستان همواره بر این اساس تاکید داشته است که جنگ کردستان جنگی ناخواسته و تنها به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. از این رو همصدا با خلق کرد، چه قبل از آغاز جنگ، چه در جریان جنگ و چه در طول صلح مذاکره، همیشه از راه حل صلح آمیز مسئله کردستان جانبداری کرده و در جهت آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.

ما یک بار دیگر قاطعانه اعلام می داریم که برخاسته های حق طلبانه خلق کرد، تاکید داریم و از مواضع اعلام شده هیئت نمایندگی خلق کرد، جانبداری می کنیم. ما هرگونه سیاستی را که بخواهد حق مسلم خلق کرد و زحمتکشان سراسر ایران را نادیده بگیرد، شدیداً محکوم می کنیم و همگام با نیروهای مترقی تا پای جان در کنار خلق های تحت ستم میهن خود به مبارزه عادلانه ادامه داده و از خواست های برخق آنان دفاع خواهیم کرد.

گرامی باد یاد استاد مبارز دانشگاه شهید کامران نجات الهی

ایران زاتر از می کردند و یکبارچه فریاد بر می آوردند: "نه سازش، نه تسلیم، جنگ مسلحانه، تشییع جنازه استاد شهید، از همان آغاز با درگیری مردم با ارتش ضد خلقی رژیم شاه همراه بود.

با یورش ارتش و پلیس به انبوه جمعیتی که جنازه را تشییع می کردند مردم با روحیه ای که سرشار از مبارزه بود، در کوچه و خیابان منازل سنگر گرفتند و با دژ خیمان رژیم پهلوی به نبرد پرداختند.

ارتش و شهرتانی به خانه های اطراف میدان انقلاب یورش بردند و مردم را در خانه ها به گلوله بستند. در این روز تصادف زیادی به شهادت رسیدند و کثیری مجروح شدند.

ما با بزرگداشت خاطره دکتر کامران نجات الهی، در همین حال خاطره تمام آن فداکاری ها و از جان گذشتگی ها و مبارزات قهرمانانه را بزرگ می داریم و به همگی آن قهرمانان دزد می فرستیم.

شهر پرور ۱۳ آبان، پایه نمایش گذاشتن درنده خوئی ارتشی آریا سپهری دست پرورده آمریکا و سازش ناپذیر خلق به پا خاسته جای ویژه ای را در تاریخ این مبارزات به خود اختصاص داد. در این روز جنازه استاد شهید از محل بیمارستان به سوی بیست زهرا حمل شد.

پیش از آغاز تشییع جنازه، کرم سنجانی و چند تن دیگر از لیبرال های جبهه ملی سخنرانی کردند و کوشش به عمل آوردند تا از این موقعیت برای تشییع خود کسب وجهه برای جبهه ملی بهره برداری کنند. ولی مردم که سرشار از روحیه مبارزاتی بودند، بی اعتنا به نصایح رهبران جبهه ملی، یکبارچه علیه رژیم و تسلیم طلبان شعار می دادند و هنگامی که در زحش - این جبهه شناخته شده آمریکا - می خواست با حمایت لیبرال ها سخنرانی کند، او را از پشت تریبون به زیر کشیدند. در حین راهپیمایی مردم به جای تکرار شعارهای محافظه کارانه و سازشکارانه جبهه ملی، شعارهای سازبان چریکهای فدائی خلق

یک سال از شهادت کامران نجات الهی، استاد جوان و مبارز دانشگاه می گذرد. در آذرماه سال ۱۳۵۷ به منظور مقابله با دولت آمریکا، بختیاز که مذبح جانسختی تلاش می کرد با بستن دانشگاه ها از گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن - مستأجلوگیری کند، استادان مبارز دانشگاه دست به تحمیل کردند. دبیرخانه دانشگاه محصل تحصن استادان با شعار "آزادی" آذین شده بود. دولت بختیاز اقدام به محاصره دبیرخانه کرد و از بیوسن دیگر گروه های استادان - متخصصین معانت به عمل آورد. این عده به ناگزیر در ساختمان وزارت علوم منحصر شدند. در همین محل بود که دکتر کامران نجات الهی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

شهادت نجات الهی به نفع مردم از رژیم شاه و بختیار عمقی نازه داد. تا آنجا که مراسم تشییع جنازه کامران نجات الهی به صورت یکی از روزهای خویسن مبارزات مردم درآمد و همانند ۱۷

دو خبر از ترکمن صحرا

اعلامیه افشاگرانه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن درباره تبلیغات عوام فریبانه حزب توده.

پیام ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن به خلق های قهرمان ایران.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در اعلامیه دیگری تحت عنوان "دشمن و جنگ آفرین حزب توده در ترکمن صحرا" تبلیغات عوام فریبانه حزب توده را افشاء کرده و چنین نوشته است: "حزب توده که درست بعد از آرام شدن و بی خطر شدن اوضاع و احوال ترکمن صحرا آرام آرام، فرصت طلبانه از سوراخ سربسرون آورده، در طی فعالیت چند هفته ای خود همواره به عناوین مختلف سعی در محکوم کردن مبارزات خلق ترکمن و دهقانان و زحمتکشان روستا نمود ما است، موضع گیری های حزب توده در منطقه ترکمن صحرا عملاً آن را در کنار غاصبین، زمین داران بزرگ و سرمایه داران وابسته قرار داده و مداح سینه چاک مرتجعین کرده است."

در این اعلامیه آمده است: "حزب توده به عنوان بلندگوی ارتجاع می خواهد اذهان توده ها را برای سرکوب خلق مبارز ترکمن آماده سازد و محیط را برای جنگ فراهم نماید."

ترکمن صحرا ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در اعلامیه مشترکی برای خلق های قهرمان و مبارزان ایران پیامی فرستادند، در این پیام آمده است: "مردم مبارز ایران! روی سخنمان با شماست، زمانی که روستائیان و زحمتکشان ترکمن صحرا تحت نظارت و مدیریت شوراهای مردمی با جدیت و کوشش به کشت زمین های باز پس گرفته خود پرداختند و می خواهند با کشت صحیح آنچنان افزایشی در تولید گندم کشورمان ایجاد کنند که مشتی محکم بردهان یازده گویان غاصب بکوبند، سرمایه داران و زمین داران بزرگ و غاصبین که مرگ خویش را نزدیک می بینند، به انواع حیله ها و توطئه ها متوسل گردیده و در سرتاسر منطقه دست به حمله به زحمتکشان و کشتار آنها زده و سعی در آرام جلوه دادن منطقه می نمایند. آنها می خواهند با این قبیل حرکات خود، مردم ترکمن صحرا را به جنگی تحمیلی بکشانند و از جانب دیگر دولت زاپه سرکوب خلق ترکمن متقاعد سازند."

بقیه از صفحه ۱

شوراهای در جهت قطع وابستگی...

جمله است. نمونه دیگر اقداماتی است که به دست شورای کارگری ماشین سازی اراک انجام گرفته است و آن اخراج کارشناسان خارجی و استخدام کارشناسان ایرانی به جای آنها است.

جریان اعمال قدرت کارگران ماشین سازی بدین صورت بوده است که کارگران و کارکنان آگاه و مبارز این کارخانه پس از قیام قطع وابستگی به مواد اولیه کشورهای امپریالیستی و اخراج کارشناسان آنها را به کمره تعقیب می کردند. پس از تشکیل شورای جدید در جلسه مجمع عمومی، اعضا شوراهای هیئت مدیره می خواهند که در مورد قطع وابستگی توضیحاتی بدهد (این کارخانه به کشورهای آلمان، انگلیس و فرانسه وابسته است) هیئت مدیره توضیحاتی می دهد که مافوق ادعای جدیدی منعقد نکرده ایم. فقط قرارداد های قبلی را باقی گذاشته ایم تا بتوانیم راهی برای قطع آنها بیابیم. در همین جلسه هیئت مدیره اعلام می کند که برای راه افتادن کارهای خواهیم از کارشناسان خارجی دعوت کنیم که مشغول کار شوند. اعضا، شورا با این عمل مخالفت می کنند و می گویند "شما نمی توانید این کار را بکنید. مادر روزنامه آکبسی می کنیم و از کارشناسان ایرانی دعوت می کنیم که برای کار به ما مراجعه کنند. اگر کارشناس

ایرانی پیدا نشد آن وقت فکر دیگری می کنیم. هیئت مدیره به ناچار به این خواست شوران می دهد. سپس شورادر روزنامه آکبسی می کند که کارخانه ماشین سازی را که به کارشناسان و مهندسی ایرانی جهت جایگزینی مهندسی و کارشناسان خارجی نیازمند است، با آمدن مهندسی ایرانی و استخدام آنها در روز ۲۰ آبان ماه هیئت مدیره اعلام می کند که کارشناسان خارجی اخراج و به جای آنها مهندسی ایرانی استخدام شده اند. به این ترتیب هیئت مدیره به خواست کارگران تن می دهد و شورا کام اولیسه و پیروزمندانای در جهت قطع وابستگی بر می دارد.

البته در تمام این موارد ما شاهد کارکنی ها و دسیسه های کارفرما وزارت کار و دولت که پس از قیام همواره از سرمایه داران وابسته پشتیبانی می نمودند، به مثلاً ما شاهد بودیم که چگونه استاندار خوزستان در بار آمدنی دستور انحلال شورای اسلامی کارکنان شرکت حفاری "سدکو-ایران" را داد. ما شاهد بودیم که چگونه استاندار خوزستان با بسیج نیروهای نظامی دستور اخراج کردن وسایل شرکت حفاری ستانف از خوزستان و بازگویی آنها به کشتی ها برای حمل به خاراج از کشور و پس دادن آنها به کشورهای امپریالیستی را داد. در حالی که شورای کارگران شرکت حفاری با

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی «هرچه حیدر خان بگوید راست است»

بقیة از صفحه ۱

(ستارخان)



بیگانه از مسیر رشد طبیعی بازماند و نتوانست به یک روزی صنعتی ارتقا یابد. خصلت تجاری این روزی رهبری آن را در پیوند هائی با امپریالیسم و فئودالیسم قرار می داد و در مبارزه با این دو ناپیکر و ناستوارش می ساخت. نتیجه ناگزیر این امر فقدان طبقه کارگر صنعتی در صدر مشروطیت ایران بود. با این همه مناسبات سرمایه داری رام آرام گسترش می یافت و طبقه کارگر ایران پایه عرصه می نهاد.

براین زمینه ایده های روزی توسط منادیان آن در جامعه اشاعه می یابد. ادبیات انقلاب فرانسوی در قالب های آشنا با فرهنگ ایرانی توسط «مستشرق ها» و اشرفیت آشنا به تمدن غرب و علاقمند به مناسبات روزی تبلیغ و ترویج می شود. نخستین کتاب هائی که در آن از «قانون و حکومت قانون» سخن می رفت انتشار می یابد و مبارزه با حکومت فئودالی هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند.

روشنفکران و ترقی خواهان از آزار و تعقیب حکام در امان نمی مانند و بسیاری از آنان مجبور به مهاجرت می شوند.

پدر حیدر عمو اوغلی به خاطر داشتن عقاید مترقی مورد آزار و تعقیب حکام وقت قرار می گیرد. «حیدر» هنوز کودک بود که با خانواده خود به قفقاز مهاجرت می کند.

آشنائی با سوسیال - دمکراسی انقلابی

حیدر عمو اوغلی، تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قفقاز به پایان آورد و در تفلیس در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد. عمو اوغلی در «تقریرات» خود می گوید: «از دوازده سالگی وارد فعالیت های سیاسی شدم.»

سالهایی که حیدر عمو اوغلی در روسیه به تحصیل اشتغال داشت، جنبش کارگری و سوسیال دمکراسی انقلابی روسیه در حال اعتلاء بود. حیدر عمو اوغلی با محافل سوسیال - دمکراسی روسیه آشنا شد و فعالیت های کارگری روسیه شرکت نمود. در این زمان سوسیال دمکراسی روسیه و پیوسته سوسیال دمکرات های انقلابی قفقاز به جنبش انقلابی در حال بلوغ ایران توجه خاصی مبذول می داشتند. حضور کارگران مهاجر ایرانی در معادن قفقاز زمینه مساعدی برای فعالیت در بین ایرانیان فراهم می آورد.

حیدر عمو اوغلی در جریان آشنائی با محافل سوسیال - دمکراسی روسیه به «لنین» و «گرویدو» انقلابیون نظیر «نریمان نریمانوف»، «اورژنیکیدزه» و «استالین» آشنا شد. رفیق حیدر عمو اوغلی در خاطرات خود از جلسات مخفی که با این انقلابیون در خانه خود تشکیل می داد سخن گفته است. در همین زمان مظفرالدین شاه و آتابک هنگام سفر مسکو، برای تاسیس کارخانه برق آستانه مشهد خواستاریک مهندس برق شدند. حیدر عمو اوغلی برای این کار در نظر گرفته شد و به خراسان آمد.

نخستین محافل سوسیال دمکراسی در ایران

همزمان با پیدائی نخستین ایده های روزی پیشرو و ترقیخواه اندیشه های سوسیالیسم علمی نیز در بین جامعه در حال تحول میهن ما جوانه زد. این جریان های فکری متعلق به دوطبقه تازه پای ایران بود. بازتاب مبارزات طبقاتی بطور عینی در حال گسترش بود که در یک سوی آن فئودالیسم و استبداد مطلقه فئودالی و حامیان امپریالیست آن و در سوی دیگر روزی و دهقانان، پیشه وران، کارگران و بی چیزان شهری قرار داشتند.

حیدر عمو اوغلی در خراسان با تعدادی از کارگران و روشنفکران همفکر خود، نخستین محافل سوسیال - دمکراسی انقلابی ایران را سازمان می دهد. این محافل بعدها به نام «اجتماعیون، عامیون» شهرت یافتند. در مدت یازده ماهی که حیدر عمو اوغلی در مشهد به فعالیت سیاسی اشتغال داشت، به دلایل اجتماعی و تاریخی معین نتوانست در گسترش محافل سوسیال - دمکراسی توفیق چشمگیری به دست آورد. او راهی تهران می شود تا فعالیت های سیاسی خود را پیگیری کند.

حوزه های «خصوصی» و «عمومی»

حیدر عمو اوغلی ابتدا در راه آهن تهران و شاه عبدالعظیم و بعد در تجارخانه حمل و نقل ایران به کار می پردازد. جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران در این زمان هر روز گسترش تازمائی می یافتد و زمینه برای فعالیت های سیاسی حیدر عمو اوغلی به نحو مساعدی فراهم بود. انقلاب روزی و دمکراتیک در آستانه قرار داشت.

حیدر عمو اوغلی در «تقریرات» خود می گوید: «حوزه خصوصی مخفی پس از بحث های طولانی تصمیم می گیرد که برای اعلام خطر به مستبدین، به خانه وزیر مخصوص بمبی انداخته شود. چند نفر ما مور این کار می شوند. ولایتی اینها در هنگام عملیات ترسیده، بمب را در خانه زهاکرده و فراری می کنند. بمب منفجر نشده، به دست ما موران دولت می افتد. مستبدین این اختار را جدی تلقی نکرده و همچنان به ترورهای ضد انقلابی خود ادامه می دهند. این بار حوزه مخفی رای می دهد که بمبی به خانه یک کسی از درباریان فاسد به نام علاء الدوله پرتاب شود. وحیدر عمو اوغلی ما موربت انجام آن را به عهده می گیرد. محمد علی میرزا برای سرکوب نهضت مشروطیت، آتابک یعنی یکی از مهره های اصلی استعمار روسیه - تزاری و صدراعظم مستبد زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه را از اروپا به تهران فرامی خواند. آتابک از همان لحظه ورود خود به ایران ابتدا بارشوه عده ای از نمایندگان خائن مجلس را با خود همراه می کند و سپس سرکوب خونی - خنثی نوده ای در تهران و تبریز را با پشتیبانی «شیخ فضل الله نوری» و دیگر روحانیون قشری سازمان می دهد در چنین شرایطی است که حیدر عمو اوغلی در «تقریرات» خود می گوید:

«حوزه مخفی اجتماعیون، عامیون تهران کومه ملک المتکلمین و آقا سید جمال واعظ در آن عضویت داشتند. اعدام آتابک را رای داده، حکم اعدام آتابک را به کمیته اجراء می فرستد.»

کمیته اجرائی عملیات اعدام انقلابی آتابک را به کمیته هدهش «که تعداد آن ۱۲ نفر و ریاست آن به عهده حیدر عمو اوغلی بود» واگذار کرد. «عباس آقا» تبریزی به حکم قرعه برای این کار انتخاب شد و «ترور سرخ» آتابک به انجام می رسد و عباس آقا جان خود را بر سر این کار می نهد و به شهادت می رسد. از جیب او کارتی به دست می آید که بر روی آن نوشته شده بود:

«عباس آقا صرف آذربایجانی، عضوانجمن شماره ۴۱ فدائی ملت»

اقدامات این زمان حیدر عمو اوغلی از تمام جهات

«ترورهای سرخ» به حساب می آید، اودر «تقریرات» درباره نتایج اعمال انقلابی سوسیال - دمکراسی انقلابی چنین می گوید:

«طرف عمر با حاجی خان به طرف خیابان لاله زار

آمدیم که بینیم واقعه دیشب چه تاثیراتی در افکار مردم داده است. بلی این مسئله تاثیرات فوق العاده در مردم داده است. حتی اروپائی های مقیم تهران نیز عقیده پیدا کرده می گفتند که ایران دیگر سابق نیست، دیگر ملت به حقوق خود واقف شده، حق گرفته شده از دولت را به خوبی نگاهداری خواهند کرد. مطالعه استاد موجود نحوه برخورد و تفکر حیدر عمو اوغلی را نشان می دهد. او از تجارب شکست قیام دسامبر ۱۹۰۵ روسیه برخوردار بوده است. حیدر عمو اوغلی در «منشات» خود، اعتقاد منشویک های روسی را، پس از سرکوب قیام دسامبر ۱۹۰۵، مبنی بر این که «نمی بایست» اسلحه به دست گرفت» سخت مورد انتقاد قرار می دهد و نشان می دهد که چگونه بر اعتقادات لنین وفادار و معتقد مانده است. او یکی از پیروان صدیق راه لنین بود. او در تمام فعالیت های سیاسی خود نشان می دهد که به اصول «لنینی» مبارزه طبقاتی وفادار است و بر اشتی ناپذیر بودن تضادهای طبقات متخاصم اعتقاد عمیق دارد.

«برخلاف» توده ای ها که بر سر میراث رفیق حیدر عمو اوغلی هوجبگری می کنند - رفیق حیدر عمو اوغلی به نخستین درس کبیر قیام دسامبر ۱۹۰۵ که لنین آنرا چنین جمع بندی کرده است عمیقاً وفادار می ماند. بنابراین چیزی کوتاه بینانه تر از نظریه بلخانف نیست که تمام اپورتونیست ها به آن چسبیده اند و بر طبق آن نمی بایست به اعتصاب قبل از موقع پرداخت و است - نمی بایست دست به اسلحه برد. برعکس، از این هم قطعی تر وجدی تر و با قصد تعرضی بیشتری بایستی دست به اسلحه برد. لازم بود به توده ها فهمانده شود که تنها اعتصاب مسالمت آمیز غیر ممکن است و لزوم یک مبارزه مسلحانه بی باکانه و بی رحمانه را به آنها توضیح داد و بالاخره حالا ما باید آشکارا صدای رسا به عدم کفایت اعتصاب های سیاسی اعتراف کنیم، باید قیام مسلحانه را در میان وسیع ترین توده ها تبلیغ نمائیم و ضمانت مسئله را با هیچگونه مراحل مقدماتی پرده پوشی نکنیم و هیچ لفافه ای روی آن نکشیم. هرگاه لزوم یک جنگ فداکارانه، یک جنگ خونین و نابود کننده را که وظیفه مستقیم عملیات آینده است، از توده ها مستور داریم، هم خود را فریب داده ایم و هم توده های خلق را. «لنین - در سهای قیام مسکو» ادامه دارد

مردم میهن ما ناقطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



یک جانبه‌ای مورد خطاب قرار گرفته و صراحتاً مطالبات شورای خواست‌هایی "ضد انقلابی" توصیف شده است.

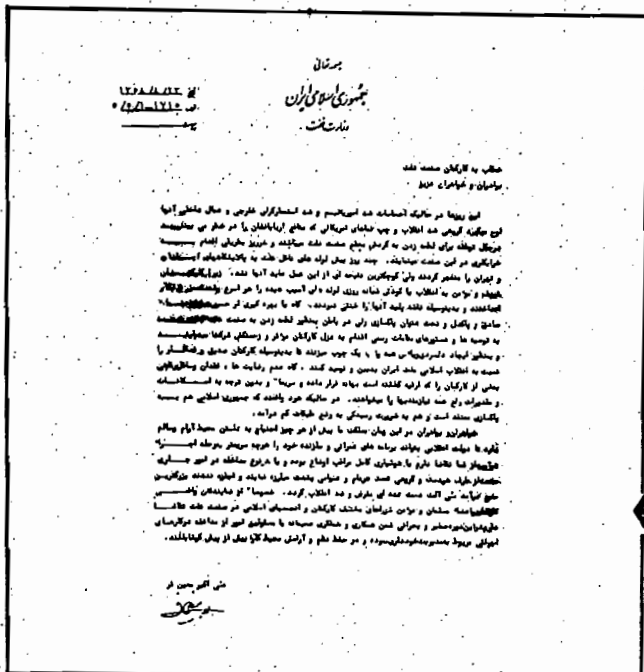
وزیر جدید خود را به نفعی می زند که شورازدل قیام و توسط خود نفتگران برپاشده ته توسط دولت موقت.

وزیر نفت و عضو شورای انقلاب باید به جای صدور بخشنامه برای بی اعتبار کردن و سلب قدرت شوراهای کارنامه درخشان خود را مرور کنند تا بهتر دریابند که چه اندازه تا بستگی صدور چنین فرامینی زادار هستند وزیری که با عوامفریبی و باسوق و کزنا برنامه پاکسازی خود را اعلام می کند خوب است که قدری به دوروبر خود نگاه کند و مدیران سابق را که در دوران اقبال و انصاری و نیزه بر سر کار بودند مشاهده نماید که چگونه هنوز به عنوان نزدیک ترین همکار و مشاور ایشان بر سر پست‌های حساس خود باقی ماندند.

تصفیه مدیر اداری، آن هم در نتیجه فشار و توصیه انجمن اسلامی پایان تصفیه نمی تواند باشد که این چنین مورد بهره برداری تبلیغاتی آقای وزیر قرار می گیرد. آن چیزی را که آقای وزیر تصفیه و پاکسازی می داند، در حقیقت چیزی جز نبرد قدرت با نفتگران آگاه و انقلابی که مدیریت را زیر رگبار خواست ها و سؤالات خود دارند، نیست. دست شمایز آقای وزیر همچون دیگر همکاران تا دیر با زود رو خواهد شد.

اقدامات وزیر جدید نفت علیه نفتگران آگاه و انقلابی در پوشش "پاکسازی"

این مقاله بخش دوم گزارش چاپ شده در کار ۳۸ است که در این شماره به پایان می رسد



برای پاکسازی واقعی مورد اعلام شده است. در بخشنامه مورخ ۲۰ آبان ۵۸ که در پاسخ اعلامیه پوراهای موقت کارکنان صنعت نفت - گاز و پتروشیمی در تهران که در پاسخ به خواست کارگران مبنی بر تعطیل پنجشنبه ها صادر گردید، شورای کارکنان صنعت نفت بطور

در صنعت نفت برعهده دارد، از مفاد بخشنامه‌هایی که صادر می کند آشکار می گردد. به عنوان نمونه می توان از بخشنامه مورخ ۲۳ آذر ۵۸ نام برد که طی آن نفتگران از هرگونه اقدامی که با کارمندی ایشان تداخل پیدا کند، منع گردیده اند. در این بخشنامه اقدامات انقلابی کارگران

موقت برای پاک سازی و اعلام شروع برنامه از طریق انتخاب هیئت ۵ نفری مجری طرح پاکسازی به ظاهر پاسخگویی دلیل اصلی عنوان شده برای برکناری نزیه شد.

اما خیلی زود تو خالی بودن مانورهای عوامفریبانه وزیر نفت جدید - این دارنده نشان تاج آریامهری - بر ملا گردید. چه اقدامات جناب وزیر جدید از تعویض سرکاغذهای شرکت ملی نفت فراتر نرفت، هنر وزیر جدید تنها در این بود که کارگران و کارمندان را به پاد توهمین ها و افتراهای رنگارنگ قرارداد و با صدور بخشنامه‌های شدداد و غلطی شروع به خط و نشان کشیدن کرد و با انقلابی خواندن خود کوشش دارد تنها کارگران پیشرو و انقلابی صنعت نفت را به عنوان ضد انقلاب مورد تصفیه به اصطلاح انقلابی قرار دهد.

حضور "ضد انقلاب" کشف آقای معین فرنیست. بلکه بهانه‌ای است برای توجیه "نیروی ویژه" مستقر در صنعت نفت که جناب وزیر با کمک آن وظایف به اصطلاح انقلابی خود را انجام می دهند تا مانع از هرگونه حرکت در جهت پیشبرد اهداف انقلابی کارگران صنعت نفت شوند. ماهیت وظایفی که وزیر جدید

با توجه به مقاله شماره قبیل معلوم می شود که افشای قرارداد های نفتی، طرد عناصری که هدف خود را خدمت نهانجسارت قرار داده اند و مصادیر سرمایه های امریکائی در شرکت نفت از جمله اهمیت برخوردار است.

سازمان اداره شرکت نفت به گونه‌ای است که در بخش های مختلف آن مبره‌هایی سازمان داده شده اند که حرکات انقلابی را در هر سطحی تحت نظارت و کنترل خود در آورند. این مبره ها خود شبکه‌ای را در درون سیستم اداری شورورکاتیک شرکت نفت تشکیل می دهند. موقیعت اجتماعی و طبقاتی این عوامل، عامل مهمی است که آنها را در خدمت انحصارات نفتی و شرکای داخلی شان در پی آورد از این رو طرح شمار "پاک سازی" که البته با هدف ها و مضامین مختلفی عنوان می گردد حائز اهمیت فراوانی است و برعهده کارگران پیشرو و انقلابی است که این "شمار را در راستای تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های مابه کار گیرند.

به خاطر داریم از جمله دلایل برکناری نزیه و روی کار آمدن معین فر، مسئله تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق بود.

مانورهای وزیر تازه و مطالبات کارگران. وزیر تازه نفت مسئله پاک سازی صنعت نفت را از جمله اولین اقدامات خود عنوان نمود و با صدور بخشنامه مورخ ۱۹ مهر ۵۸ بار اراکه خط مشی کلی دولت

حامیان "جدید مستضعفین چگونه زندگی می کنند"

در حال حاضر زحمتکشان میهن ما زیر فشار گرانی و مایحیناج زندگی و بیکاری دست و پایی زندگی و به سختی قادر به گذران زندگی خود و خانواده شان هستند. حداقل دستمزد کارگران ۵۶ تومان معین شده در صورتی که همه می دانند که با این مقدار دستمزد یک نفر هم قادر نیست به راحتی زندگی خود را بچرخاند. میلیون ها کارگر بیکارند و وام بیکاری که برای مدت چند ماهه و آن هم فقط به تعدادی معدود دار کارگران بیکار پرداخت شد، معادل ۷۵۰ تومان بود.

درست در همین زمان اسناد افشاگرایی انتشار یافته است که آقای حجت الاسلام اشراقی و همراهانشان در مدت ۴ شب اقامت در هتل هایب عمر خیام در مشهد مبلغ ۱۷۴۲۸۰ ریال بابت هزینه پذیرایی و اقامت می پردازند. یعنی هرگاه وام بیکاری قطع شده کارگران بیکار را که ۷۵۰ تومان است با هزینه اقامت ۴ شب حجت الاسلام مقایسه کنیم برابر با معارج دوسال زندگی یک کارگر بیکار خانواده اش خواهد شد.

ناروهمین وام ناچیز نیز قطع گردیده و معلوم نیست این کارگران زحمتکش چگونه باید معاش خود را تأمین کنند. ما حتی اگر حداقل حقوق کارگران شاغل را که برابر ۵۶ تومان در روز می باشد در نظر بگیریم، هزینه اقامت ۴ شب

بکشد و ده بار جانش به خطر بیفتد. آری معارج چهار شب اقامت حجت الاسلام و همراهان، برابر معارج ۴ سال زندگی یک خانواده روستائی زحمتکش در کردستان است.

حجت الاسلام، در هتل هایب مشهد برابر دستمزد یک سال کارگری است که روز و شب در کارخانه ها و کوره پرخانه ها و معادن و غیره در سرما و گرما کاری کند و هر روز باید بار سنگین و مشقت کارهای طاقت فرسار را به دوش

چرا بازرگان و رفسنجانی، بقیه از صفحه ۱

حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. هاشمی رفسنجانی، عضو شورای انقلاب و وزیر کشور جمهوری اسلامی، در فردای مصاحبه آقای بازرگان، در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه کیهان، نظریه بازرگان را درباره امیرانظام تأیید کرد و چنین گفت:

"اسنادی که راجع به انتظام فاش شد، نشان دهنده جاسوسی ایشان نیست. حمایت وزیر کشور از امیرانظام نشان می دهد که دوستان امپریالیسم امریکا و سرمایه داری وابسته تا کجا نفوذ کرده و چه اندازه در قدرت سهم هستند و برای سیاستی که بازرگان ها و امیرانظامها طراحی و سخنگوئی آنند تا چه میزان در جمهوری اسلامی راه برای پیشرفت باز است.

به خوبی روشن است هدف اصلی بازرگان و شرکای او، جلوگیری از انتشار اسنادی است که حقایق فراوان تری را برای توده های قیام کننده میهن ما روشن می کند. آنها بدون شک در مبارزه بسرای تحکیم موقیعت خود در حاکمیت و مانع از انزوای سیاسی از برای نخواهند نشست و تلاش های جدیدی را سازمان خواهند داد. از این رو افشاء و طرد آنان و ارتقاء آگاهی توده های وسیع قیام کننده از مواضع و اهدافی که این دوستان دروغین مردم دنبال می کنند وظیفه همه انقلابیون کمونیست است.

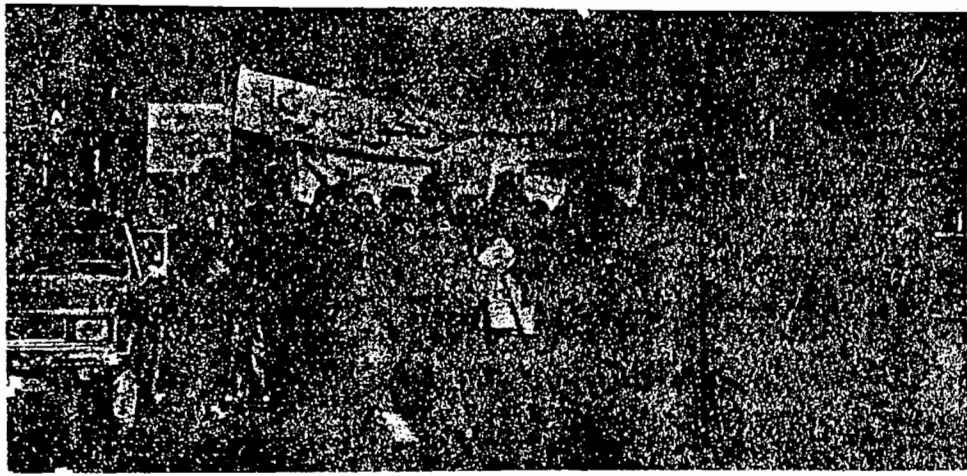
کشور یکی دیگر از اعضا شوروی انقلاب به حمایت از گفته های بازرگان و دفاع از امیرانظام برخاست. مانور سیاسی آقای بازرگان، که با مصاحبه پرسروصدای روز دوشنبه آغاز شد، چشم انداز تازه‌ای از "مبارزه قدرت" را به نمایش گذاشته است.

در این مصاحبه بازرگان تمام خیرگی سیاسی خود را برای موجه جلوه دادن اقدامات و فعالیت های جاسوسی امیرانظام، سخنگوی امریکائی دولت خود به کار می گیرد در مصاحبه کوشش شده است از اعتقادات مذهبی مردم نیز برای طبیعی نشان دادن جاسوسی امیرانظام استفاده شود.

"نخست وزیر منتخب امام" در عین حال کوشش می کند جنبه تازه‌ای از دوستان صاحب مقام تشکیل دهد تا قدرت مانور خود را برای جلوگیری از گسترش دامنه مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و افشاکاری های دانشجویان مستقر در سفارت امریکا تقویت نماید. زیرا بازرگان بهتر از هر کسی می داند که رشد مبارزات ضد امپریالیستی - مکرراتیک توده های میهن ما - برچیده شدن بساط او و جاسوسان امریکائی و تمامی لیبرال ها است که هدفی جز تحکیم نظام سرمایه داری و تثبیت سلطه امپریالیسم ندارند.

می بینیم که حساب های آقای بازرگان زیاد هم بی راه نبوده است، چه خیلی زود از طرف دوستان "صاحب مقام" مورد

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



گزارش راهپیمایی ضد امپریالیستی بیکاران

حدود ساعت ۱۱ جمعیت به جلو سفارت امریکارسیده و پس از دادن شعارهای ضد امپریالیستی قطعنامه‌ای قرائت گردید. در قسمتی از این قطعنامه آمده است: "مانماینندگان فارغ التحصیلان بیکار کشور ضمن پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران معتقدیم که از بین بردن بیکاری فقط در یک مبارزه قاطعانه علیه امپریالیسم امکان پذیراست".
مصادره سرمایه‌های امپریالیستی در جهت رفح نابرابری‌های اجتماعی از قبیل بیکاری، افشاء و نفوکلیمت قراردادهای اقتصادی، سیاسی، نظامی با امپریالیسم امریکا، الغای قانون منع استخدام کشوری، به رسمیت شناختن شوراهای اتحادیه‌ها و... از جمله مواردی است که در قطعنامه اجرای آن از مقامات مسئول مصرا خواسته شده است.

تهران رسید، یکی از بیکاران به منظور گرامی داشت ۱۶ آذر، روز دانشجو، طی صحبتی کوتاه به نقش دانشگاه به عنوان سنگر همیشه خروشان و آتشی ناپذیر اشاره کرد. وی از تظاهرکنندگان خواست تا با دادن شعاری به نفع دانشجو، از مبارزات دانشجویان قدرانی کند. آنگاه بیکاران به طرف سفارت سابق امریکابراه افتادند. در طول راه شعارهایی از قبیل "زندانیان بیکار، آزاد باید گردند. مزدوران خارجی اجراع باید گردند" در اعتراض به ستم دستگیری ۱۵ تن از کارگران بیکار که پس از اشغال مجدد "خانه کارگر" توسط افراد کمته و وابستگان در بازداشت به سر می برند، داده شد. در ادامه راهپیمایان خواستار آزادی هر چه سریعتر کارگران بیکار شدند.

روز پنجشنبه ۱۵ آذر چند صد نفر از بیکاران به منظور پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، پس از تجمع در مقابل پارک لاله (فرج سابق) دست به راهپیمایی زدند.
در ساعت ۱۰ صبح راهپیمایان با دادن شعارهایی چون "یا مورگ پاره‌هایی، از امریکاجدا کنی" و "بیکاران اره‌صنفت، اتحاد اتحاد، علیه امپریالیسم، ارتجاع پارک لاله راه سمت خیابان کارگر ترک کردند. تظاهرکنندگان پس از عبور از ایوان کارگر و میدان انقلاب در حالی که شعار می دادند "امریکا، امریکا، دشمن زحمتکشان"، "نه سازش، نه تسلیم، سرد با امریکا" و "سرمایه وابسته سر زحمتکشان ملی باید گردد" به طرف خیابان انقلاب حرکت کردند. هنگامی که صف تظاهرات به مقابل دانشگاه

بازرگان می خواهد "ارتش شاهنشاهی" را در جهت منافع سرمایه داری

حفظ نماید
آزادی های سیاسی پاسخی مثبت ندادند یکی از افتخارات دولت موقتشان را تدوین اساسنامه شورای موسسات نام بردند. اما همچون گذشته مسئله شورادرارتش موبدبانه نفی کردند و بالاخره تصمیم رابه اولی الامر واگذار نمودند.
آقای بازرگان در قسمتی از سخنانشان گفتند: "... این موضوع که افسران بقیه در صفحه ۵

خودشان انحلال ارتش برداختند. آقای بازرگان در قسمت های دیگری از سخنانشان طرح توحیدی را که خواسته درجه داران انقلابی ارتش بوده است موبدبانه نفی می کنند و آنگاه با اشاره به روایات واحادیثی از صدر اسلام در رابطه با مسئله فرماندهی، پرسنل تراز اطاعت کورکورانه دعوت می کنند. آقای بازرگان در حالی که در ۹ ماه گذشته به هیچ یک از خواست های برحق نظامیان از جمله شور و حق

آقای مهندس بازرگان عضو شورای انقلاب در ۱۴ آذر در حالی که چمران وزیر دفاع و تیمسار فلاخی فرمانده نیرو را به همراه داشتند، طی سخنرانی متوسطی در یادگان لویزان برای پرسنل از لزوم پاکسازی وانضباط و اطاعت از فرمان سخن گفتند. آقای بازرگان در حالی که دشمنان را امپریالیست و صهیونیست و مارکسیست ها قلمداد می کردند موزورانه به تحریف حقایق ونظرات پرسنل انقلابی مبنی بر تصفیه یاب به قول

تعداد نمایندگان طبقات و اقشار مختلف جامعه به نسبت جمعیت در مجلس خبرگان

تعداد نماینده	جمعیت
۶۵ نفر	۲۰۰ هزار نفر
۱ نفر	۳ میلیون نفر
۱ نفر	تقریباً نصف جمعیت کشور

ودهقانان که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل میدهند، هیچ نماینده‌ای ندارند! روشن است، که قوانین تصویب شده بوسیله این خبرگان تنها بدرد جامعه روحانیت که خود را قیم مردم میدانند، میخورد و هیچ دردی از زحمتکشان را دوا نمیکند.

اطلاعه
از آنجا که دادستان جمهوری اسلامی حساب بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را مسدود اعلام کرده است از

دادستانی کل انقلاب
جمهوری اسلامی ایران
برگ مایوریت
ریاست محترم بان، ملی شعبه دادگاه

تاریخ: ۱۹/۱۰/۵۸
شماره: ۲۲۰۲۱

شماره حساب: ۲۲۰۹۸ رانا اندرغ ثانور مسدود
میباشد

دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران

روزنامه اطلاعات - تهران - شماره ۱۳۵۸/۸/۱۸

کمک‌های مالی دریافت شده:

کد	مبلغ به ریال	کد	مبلغ به ریال	کد	مبلغ به ریال
۲۲۲	۲۰۰۰	۲۲۲	۲۰۰۰	۲۲۲	۲۰۰۰
۵۲۲	۲۰۰۰	۵۲۲	۲۰۰۰	۵۲۲	۲۰۰۰
۸۲۲	۲۰۰۰	۸۲۲	۲۰۰۰	۸۲۲	۲۰۰۰
۱۲۲	۲۰۰۰	۱۲۲	۲۰۰۰	۱۲۲	۲۰۰۰
۳۲۲	۲۰۰۰	۳۲۲	۲۰۰۰	۳۲۲	۲۰۰۰
۴۲۲	۲۰۰۰	۴۲۲	۲۰۰۰	۴۲۲	۲۰۰۰
۶۲۲	۲۰۰۰	۶۲۲	۲۰۰۰	۶۲۲	۲۰۰۰
۷۲۲	۲۰۰۰	۷۲۲	۲۰۰۰	۷۲۲	۲۰۰۰
۹۲۲	۲۰۰۰	۹۲۲	۲۰۰۰	۹۲۲	۲۰۰۰
۱۰۲۲	۲۰۰۰	۱۰۲۲	۲۰۰۰	۱۰۲۲	۲۰۰۰
۱۱۲۲	۲۰۰۰	۱۱۲۲	۲۰۰۰	۱۱۲۲	۲۰۰۰
۱۲۲۲	۲۰۰۰	۱۲۲۲	۲۰۰۰	۱۲۲۲	۲۰۰۰
۱۳۲۲	۲۰۰۰	۱۳۲۲	۲۰۰۰	۱۳۲۲	۲۰۰۰
۱۴۲۲	۲۰۰۰	۱۴۲۲	۲۰۰۰	۱۴۲۲	۲۰۰۰
۱۵۲۲	۲۰۰۰	۱۵۲۲	۲۰۰۰	۱۵۲۲	۲۰۰۰
۱۶۲۲	۲۰۰۰	۱۶۲۲	۲۰۰۰	۱۶۲۲	۲۰۰۰
۱۷۲۲	۲۰۰۰	۱۷۲۲	۲۰۰۰	۱۷۲۲	۲۰۰۰
۱۸۲۲	۲۰۰۰	۱۸۲۲	۲۰۰۰	۱۸۲۲	۲۰۰۰
۱۹۲۲	۲۰۰۰	۱۹۲۲	۲۰۰۰	۱۹۲۲	۲۰۰۰
۲۰۲۲	۲۰۰۰	۲۰۲۲	۲۰۰۰	۲۰۲۲	۲۰۰۰
۲۱۲۲	۲۰۰۰	۲۱۲۲	۲۰۰۰	۲۱۲۲	۲۰۰۰
۲۲۲۲	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۲۰۰۰

توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است.
کمکهای مالی خود را از هر طریق که می شناسید و اطمنان دارید، به دست رفتاری سازمان برسانید. از آنجا که نمونه‌هایی دیده شده است که عده‌ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع آوری کمکهای مالی، مبادرت کرده‌اند، به دوستان و رفقا توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمک‌هایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم که خودشان انتخاب کرده‌اند، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید.
سازمان "کد" و حرف اول نام شماره همراه با مبلغی که پرداخته‌اید در نشیبه "کار" به چاپ می‌رساند. به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی تان به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که رابطه به هیچ وجه نباید یک رابطه تشکیلاتی تلقی گردد.
ما از هم میهنان مبارز می خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند.

توضیح در مورد عنوان مقاله:
وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته است
در شماره ۳۸ "کار" مقاله‌ای تحت عنوان "وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته است" به چاپ رسید. از آنجا که عنوان فوق این توهم را پدید می آورد که مانیان سیاست ۹ ماهه گذشته دولت بازرگان واقدمات فعلی وزارت کشاورزی فرقی نمی‌گذاریم، لازم دیدیم توضیح دهیم که این عنوان به سیاست‌های زمان وزارت آقای ایزدی اشاره دارد

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگران و زحمتکشان
برای افشاء و طرد سرمایه داران لیبرال و
پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک
متحد شوید

کا
ضمیمه کار شماره ۳۹
چهارشنبه ۵ دیماه ۱۳۵۸

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - ضمیمه شماره ۳۹

مهدی بازگان می گوید:

**((علی حضرت با درد دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرده،
یک نفر چقدر وقت پیدا می کند که به همه امور برسد؟))** در صفحه ۴

**بازرگان گودنشین ها، زاغه نشین ها و ساکنین حلبی آبادها را
قدر و دزد و قاچاقچی می نامد.**

در یکی دو ماه اخیر، موج مبارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری مردم زجر کشیده و محروم اوج تازه ای یافته است. مردم بی خانمان و زاغه نشین و گودنشین اطراف شهرها که عمر خانهدوشی و در بدی کشیده اند، طی چند هفته گذشته پس از ماه انتظار موهوم از دولت بازگان که خانه ها و پارتان های سرمایه داران فراری را به آنها واگذار کند، چون امیدشان از دولت ناامید شد، به پشتیبانی سازمان های انقلابی و برخی روحانیون مبارز تعدادی آپارتمان راکه ماه ها خالی مانده بود، اشغال کردند تا زمستان را به برکت مبارزاتی که سال گذشته در راه های خود از فقر و ناداری بی خانمانی کرده بودند دوزیر مستقیم چهار دیواری به سر آورند. اما آقای بازگان این عضو برجسته شورای انقلاب مثل هر سرمایه دار دیگر، زاغه نشین ها، گودنشین ها، بی خانمان ها و همه مردمی راکه توسط همین سرمایه داران چاپیده شده اند، به یاد افترا و بدگویی گرفت و وقتی آقای بازگان دیدند کسانی که

یک عمر کار کرده اند، زحمت کشیده اند، زحمت روی خشت گذاشته، کیسه سرمایه داران را پر کرده اند، امروز مستضعف شده اند. مسکنی که می خواهند بدهند به اینها می رسد. خوب وقتی قدرتی نباشد همین است" (روزنامه های تهران ۲۳ آذر ۵۸)

هر آدم منصفی وقتی این حرف ها را می شنود از خود می پرسد کدام یک از قلدرها و دزدان های واقعی یعنی سرمایه داران با ماشین های آخرین سیستم "بنزر" و "بی ام و" با فکل و کراوات رفته اند آپارتمان های سرمایه داران فراری را اشغال کرده و در آن بساط بپهن کرده اند؟ در هزاران خانه ای که توسط مردم زحمتکش اشغال شده است حتی یک نفر گودنشین و قلدردار دسترنج طبقه کارگر گردنش کلفت شده باشد، امثال بازگان ها و امیرانتظام ها پیدا نمی شود.

آری، این شیوه سرمایه داران است که مردم زحمتکش را دزد و قاچاقچی و قلدردار و بی سروپایی نامند و سرمایه داران و اعیان و اشراف را "محترم و با شخصیت و پرودار" درآمده اند. رفته اند خانه ای را گرفته اند.

**برای پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی خلقمان
سیاستمداران و محافل لیبرال را افشاء و طرد کنیم.**

اسناد منتشره در این شماره گوشه ای از تاریخ مبین ما است. این اسناد از آن جهت منتشر می شوند که ماهیت سیاستمداران و محافل سرمایه داری لیبرال را بر ملا می کنند. افشای سرمایه داری لیبرال که دشمن مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق های ما است و امپریالیسم آمریکا پیوسته از طریق آن بر علیه خلق ما وارد عمل شده است، امروز ضرورت زیادی یافته است. به ویژه آن که ماهیت سرمایه داری لیبرال و سیاستمداران آن که برای منحرف کردن مبارزات خلق ساز هرفرصتی بهره برداری می کنند و امروز نیز خود را آماده ریاست جمهوری می کنند هنوز تا اندازه ای بر مردم پوشیده مانده است. اسناد منتشره در این شماره تنها بخشی از اسنادی است که در آرشیو نشریه "کار" موجود است.

**چرا بازگان از دوستان و جاسوسان
امپریالیسم آمریکا دفاع می کند؟**

بازرگان نخست وزیر پیشین، عضو شورای انقلاب و کاندیدای ریاست جمهوری، در ارتباط با اسناد منتشر شده ای که رابطه عباس امیرانتظام معاون بازگان و سخنگوی دولت را با سازمان جاسوسی "سیا" برملا می کند، به خبرنگاران گفت: "این ارتباط با اطلاع من و اعضای دولت و در جهت بهبود روابط دیپلماتیک بوده است."

در همین مصاحبه بازگان به حقایق تکان دهنده زیر اعتراف کرده است. این روابط با امیرانتظام و به یک سند ختم نمی شود "۲۵۰ سند دیگر نیز که این گونه روابط را نشان می دهد، در مورد سایر همکاران من" ممکن است پیدا شود. "در گزارشی که دادستان انقلاب به من نشان دادند، از اشخاص و افرادی که عنوان همکاری (سی-آی-آ) را روی آنها گذاشته اند، نام برده اند. بسیاری از این افراد را من می شناسم، بعضی از این ها را من به آقای امیرانتظام معرفی کرده ام" بازگان در جای دیگری از همین مصاحبه گفته است: "مذاکرات مربوط به اتخاذ این روش ها، تبادل نظرها و تماس های ضروری و لازم آقای امیرانتظام و وزرای خارجی ما یعنی آقایان سنجابی و یزدی و خود بقیه در صفحه ۴

در این شماره:

مهدی بازگان می گوید:
"علی امینی را فرد مبین پرستی میدانم اگر با امیریکاهم تماس هائی داشته باشد روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است!" در صفحه ۴

آقای بازگان از «قانون اساسی شاهنشاهی» پشتیبانی می کند. در صفحه ۲

چرا سخنگوی دولت بازگان جاسوس امپریالیسم آمریکا از آب در آمد در صفحه ۳

نقل از کار شماره ۲۵
مهندس بازگان ابقاء قراردادهای اسارت بار با امپریالیست ها را به نفع مملکت و مردم می داند در صفحه ۲

مهدی بازگان، پیروزی قیام پرشکوه بهمن را «مصیبت بزرگ» می داند. در صفحه ۲

**چرا پس از قیام شکوه مند خلق،
مهدی بازگان
به نخست وزیری رسید؟**

برای بسیاری این سؤال مطرح است که اگر بازگان، امیرانتظام و یزدی و امثال آنان که یک یک دارد بیرونده شان رو می شود، تا این حد به مردم خیانت کرده اند پس چرا همگی مورد تائید و منتخب آیت الله خمینی بوده اند و هنوز هم مصدر امور هستند؟

بسیاری از مردم که در راهیماشی و تظاهرات و اعتصابات و تیردهای خیابانی سال گذشته شرکت داشتند، میلیونها مردم زحمتکش که جانشان را کف دست گذاشتند و به خیابان ها ریختند و جلوی کلوله های سیاه کردند و شعار "مرگ بر شاه" دادند، وقتی آیت الله خمینی اعلام کرد بازگان را ما مورثتکلیف کاسینه کرده است به فکر فرورفتند و با خود گفتند "چرا این سرمایه دار بهر دار که همه تلاش سازش باشه و حفظ رژیم بود، باید به نخست وزیری دولت بقیه در صفحه ۲

مهدی بازگان جمعه ۱۲ آبانماه ۵۷ یعنی یک روز قبل از شنبه سرخ
روزی که رژیم شاه پس از کشتاری وحشیانه دولت نظامی از هساری را بر سر کار آورد، در یک مصاحبه مطبوعاتی می گوید:

«گمان می کنم علی امینی بتواند موفق شود و تاجائی هم که در اختیار من است، کمکش می کنم»

خبرنگار: فکر می کنید در شرایط حاضر امینی بتواند کاری از پیش ببرد؟
بازرگان: گمان می کنم او بتواند موفق شود و تاجائی هم که در اختیار من است کمکش می کنم.

این شخص یعنی مهدی بازگان که علی امینی را فردی مبین پرست است می شناسد این حرف را روز جمعه ۱۲ آبان ۵۷ زده است. روز قبل از ۱۳ آبان، شنبه سرخ. روزی که رژیم شاه دانش آموزان راه خاک و خون کشید، در چنین روز هائی این زاهد ریائیسی مهدی بازگان می خواهد به سبیلو مطهر نوکری امپریالیسم آمریکا، این

نابود باد توطنه محافل و احزاب سرمایه داری لیبرال

چراسخنگوی

دولت بازرگان جاسوس امپریالیسم آمریکا از آب درآمد

خلق ماهرور گام جدیدی در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن برمی‌دارد و در هر قدم از مبارزه، عوامل امپریالیسم آمریکا را سوار و سوارتری کند. ایک لحظه به لحظه ماهیت کاسینسه بازرگان که اکثریت آن را امپریانظام ها، چمران ها، یزدی ها و قطب زاده ها تشکیل می‌دادند، بر مردم آشکارتر می‌شود. و مردم بیش از پیش به حقانیت نیروهای انقلابی و ماهیت نیروهای ضدانقلاب پی می‌برند. نیروهای انقلابی و پیش از همه سازمان چریک‌ها و

این عوامل هر روز با چهره ای حق به جانب در تلویزیون ظاهر می‌شدند. به مردم دروغ می‌گفتند و جاپیت های خود راه نیروهای انقلابی می‌دادند. به بادی آوریم که چگونه وقتی صباغیان ها عناصر مرتجع مانند چمران در کمد دستور به کلوله بستن میتینگ و سخنرانی مردم را صادر کردند، امپریانظام، بازرگان و قطب زاده بی درنگ این کشتارها را به نیروهای انقلابی نسبت دادند و حالا به این قسمت از سند منتشره

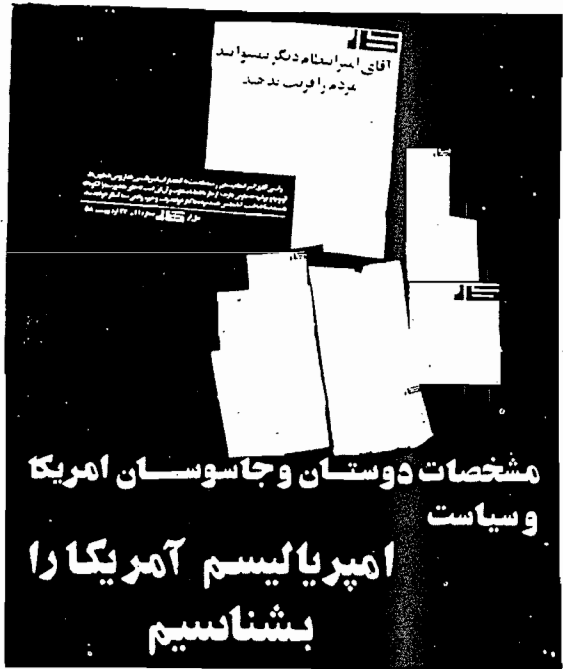
جاسوس از آب درآمدن امپریانظام ثابت می‌کند که سازش و اتکای آیت‌الله خمینی به سیاستمداران سرمایه‌داری و حمایت ایشان از عناصری مانند بازرگان، یزدی قطب زاده و چمران و امثالهم تاکنون چه ضرباتی به انقلاب ایران وارد آورده است.

دشمنی خلق ایران، از فردای قیام به افشای این دوستان امپریالیسم آمریکا پرداختند. اما از آنجاکه این عوامل پست‌های حساس را در ارتش، رادیو-تلویزیون، مطبوعات و دیگر مراکز در دست داشتند و هنوز نیز صاحب قدرتند، بهیوسته افراد ناآگاه و بخشهای عقب مانده مردم را فریب دادند و همه نیروی خود را به کار گرفتند تا نگذارند صدای نیروهای انقلابی به گوش همه خلق های شمشک میهن برسد.

پس از قیام بهمن در شرایطی که خلق مایکا را چه علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه می‌کرد، در شرایطی که مردم یکبار چه فریاد می‌زدند "بهداشاه نوبت امریکاست" مهربان اصلی دولت بازرگان یعنی امپریانظام ها، چمران ها و مدنی ها، قطب زاده ها، صباغیان ها و یزدی ها مجری سیاست امپریالیسم آمریکا در میهن ما شدند و توطئه‌های وسیعی علیه مردم و نیروهای انقلابی تدارک دیدند. آنها با بهره برداری از ترس و رهبری روحانیت از انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای انقلابی و تمایل ایشان برای سازش با سرمایه‌داری لیبرال، به قدرت

امروز آیت‌الله خمینی باید به این واقعت توجه کنند که چگونه این عوامل با بهره برداری از هراس ایشان از انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای انقلابی توانسته‌اند از حمایت وی برخوردار شوند.

هم میهنان مبارز! امپریانظام، کسی که در مقام سخنگوی دولت بازرگان بایی شرمی و گستاخی در تلویزیون ظاهر می‌شود به دست سوار امپریالیسم آمریکا نیروهای انقلابی را "ضدانقلاب" معرفی می‌کرد، تنها یک خرمهره ناچیز از انبوه خرمهره‌های ریزو درشت امپریالیسم آمریکا در ایران است. افشای رابطه پنهانی او با سازمان جاسوسی سیا، نشان می‌دهد امپریالیسم آمریکا چگونه علیه مبارزات خلق مایسج شده است و برای شکست این دشمن



مشخصات دوستان و جاسوسان امریکا بشناسیم

نام	تاریخ تولد	محل تولد	تحصیل	مقام
بازرگان	۱۳۰۰	تهران	دانشگاه تهران	وزیر
قطب زاده	۱۳۰۰	تهران	دانشگاه تهران	وزیر
چمران	۱۳۰۰	تهران	دانشگاه تهران	وزیر
یزدی	۱۳۰۰	تهران	دانشگاه تهران	وزیر
صباغیان	۱۳۰۰	تهران	دانشگاه تهران	وزیر
کلی	۱۳۰۰	تهران	دانشگاه تهران	وزیر
...

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

همه عوامل امپریالیسم آمریکا سرمایه‌داری وابسته به آن هستند. مردم خونی می‌دانند که در عین صورت صرامتی بزرگ نواز گذشته به حسن صد امپریالیستی مردم ایران وارد می‌کند.

مرکز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دیکتاتوریک طبقه کارگر و سایر طبقات و اقشار خلق سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حبه ۳۰ آذرماه ۱۳۵۸

در افشای و طرد سرمایه‌داران لیبرال بکوشیم

بقیها از صفحه ۱

چرا بازگان از دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا

بنده با ما موران آمریکا انجام می‌دادیم، حالا اگر این‌ها خیانت حساب شود... این مذاکرات "غالبا با حضور دکتر یزدی وزیر امور خارجه و اکثر با شرکتهای امیرانتظام صورت می‌گرفت."

بازگان در همین محاحبه اعتراف کرده است که او و دیگر دوستانش در نهضت آزادی هنگامی که مردم به دستور امپریالیسم آمریکا به گلوله بسته می‌شدند، برای ما موران آمریکایی که برای رهبری سرکوب و کشتار مردم به ایران می‌آمدند، "دسته گل می‌فرستادند."

بازگان در سراسر محاحبه خود ستکان داده است که چگونه برای وابستگی ایران به امپریالیسم آمریکا تلاش کرده و اینک نیز از این اعمال خود دفاع می‌کند.

هم میهنان مبارز!

زمانی که طبقه کارگر قهرمان و همه مردم مبارز ایران با امپریالیسم آمریکا و ارتش ضد خلقی وابسته به آن بیگاری کردند، زمانی که کوچه و دیوار و خیابان از خون فرزندان دلآورد خلق گلگون بود، بازگان، این سیاستدار کهنه کار سرمایه داری و همدستانش برای جاسوسان آمریکایی دسته‌های گل می‌فرستاد، به درگاه شاه و فرماندهان ارتش استغاثه می‌کنند و آنان را ملتسانه نصیحت می‌کنند که هر چه زودتر و تادیر نشده راهی پیدا کنند که از قیام توده هاجلو گیری شود، تا منافع طبقه سرمایه دار و امپریالیسم آمریکا حفظ شود.

بازگان بعدها پس از قیام گفت: " ما با ران می‌خواستیم، سیل آمد."

او با این گفتار اعتراف کرده که سیاستمداران سرمایه داری از امپریالیسم آمریکا و از شاه، باران رحمت طلب می‌کردند، اما سیل مبارزات توده هاجلو طشان زاب هم ریخت. بنابراین طبیعی است که او همدستانش مثل دکتر یزدی، چمبرلان، امیرانتظام، مدنی، صباغیان و غیره با این سیل و با توده هائی که سرچشمه این سیل بودند، دشمن باشند و طبیعی است که اپوزیسیون مبارکوزن این سیل هر گونه "مبادله اطلاعات" را با امپریالیسم آمریکا مجاز می‌داند.

اوبنا به گفته کارتر " بهترین دوست" آمریکا است، باید کارگران را " ضد انقلابی" نماید، او باید از دخالت مردم در امور خود ناله کند، او باید از توطئه های "خلوص نیت" وی بگذارد. خلوص نیت برای جلوگیری از مبارزات مردم و حفظ منافع امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار، اما طبقه کارگر و همه مردم مبارز با بر "خلوص نیت" بازگان، یزدی، چمران، امیرانتظام، مدنی و امثال آنها صاف می‌کنند و می‌دانند که این "خلوص نیت" خلوص نیت در دشمنی با طبقه کارگر و با مردم زحمتکش و مبارز است.

بازگان خوب می‌داند که او همدستانش بر سر مردم ایران چاه افتاده اند، بازگان خوب می‌داند که برای چه با همدستی چمران، مدنی و یزدی، فتوایها و دیگر نیروهای ضد انقلاب را علیه مردم مسلح کرده است، بازگان خوب می‌داند که او و همدستانش جراتانه این حدیانیروهای انقلابی به ویژه سازمان جریکهای فدایی خلق ایران دشمن اند، بازگان خوب می‌داند که او و شرکا پیش از اقداماتی بسیار تکان دهنده تراز آنچه تا کنون فاش شده است علیه خلق، ما مرتکب شده اند، از همین رو است که می‌گوید: " اگر روزی در گزارشهای چند سفارت خانه دیگر هم این اسناد به دست آید که شاید سر به ۲۰۰ فقره بزند چه از سوی آقای امیرانتظام ویا سایر وزرا، نمی‌تواند دلیلی برخیزان باشد."

او در دفاع از خود هنوز همان دلیل مضحکی را می‌آورد که فقط عقب مانده ترین و ناتوانترین مردم کول آن را می‌خورند، او هنوز می‌گوید: " چون من و همکارانم منتخب امام هستیم، هر اقدامی که علیه مردم مرتکب شویم، درست است."

او در محاحبه روز دوشنبه سوم دی ماه می‌گوید:

" جرابعضی از روزنامه ها به سرعت، بدون اینکه به عظمت و مسئولیت خدائی ملی - مملکتی خود و قلم شان توجه داشته باشند، یک چنین اتهامات ناروا و ناپخته و مسلم نشده و به مرحله اثبات نرسیده راه افراد واردمی آوردند و آن وقت باید کسانی که خدمتگزاران این انقلاب و ما مور و منتخب مستقیم و غیر مستقیم امام بودند، در معرض اتهام و صفت جاسوسی " سیا " قرار بگیرند و به این ترتیب نظام انقلابی ما دچار تزلزل خواهد شد."

اما امروز دیگر کوس رسوائی بازگان و شرکا، رابر سر بازار زده اند و بازگان بهیچوجه نمی‌کوشد " منتخب امام بودن" را دلیل صالح بودن ذکر کند.

مابرای آگاهی هم میهنان مبارز از ماهیت بازگان، سرمایه داری که پس از آن همه رسوائی هنوز عضو شورای انقلاب است و بعلاوه گاندیدای ریاست جمهوری نیز هست، اسنادی از سوابق او را منتشر می‌کنیم.

بازگان می‌گوید: «علیه حضرت با در دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرده، یک نفر جقدر وقت پیدا می‌کند که به همه امور برسد؟»

آقای بازگان وقتی که به کارنامه ۳۷ سال جنابیات شاه نگاه می‌کنند، وقتی که ۷ هزار کشته، صدها هزار زخمی که همه و همه به دست رژیم شاه جنایتکار صورت گرفته، نگاه می‌کنند، می‌گویند: «علیه حضرت خود را خسته و کوفته کرده اند و بهتر است جای خود را بیه و لیبعد تازه نفس بدهند»

چنین شخصی هم اکنون بعد از کسار رفتن از نخست وزیری به عضویت شورای انقلاب درآمد و هنوز هم مشغول دلسوزی برای امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار وابسته به آن است. آقای بازگان در صحبت تلویزیونی چند ماه قبل حتی پنهان نکرده که از عوض شدن نام "بنیاد پهلوی" هم ناراحت است. او با خود می‌گوید: "خودش را بیرون کردید پس نیست؟ یا نامش دیگر چکار دارد؟" آقای بازگان همیشه می‌گفته است شاه باید سلطنت کند، نه حکومت. بازگان همان شاهپور بختیار است با این تفاوت که اهل ریش و تسبیح است و تا کنون نیز این ریش و تسبیح خدمات شایان توجهی به او کرده است.

مهدی بازگان می‌گوید: «علی امینی را فرز مین پرستی می‌دانم اگر با آمریکا هم تماسهایی داشته باشد روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است؟»

علی امینی مهربه شناخته شده اسارت بار کسریوم نفت، وزیر کابینه سپهبد زاهدی، نخست وزیر منتخب شاه در سال ۱۳۴۱، کسی که سالها سفیر ایران در آمریکا بوده است، از نظر آقای بازگان "نخست وزیر منتخب امام" فردی است مین پرست که روابطش با آمریکا از "روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است". وقتی اهمیت این حرف آقای بازگان بیشتر روشن می‌شود که در مورد ارتباط انجام وظیفه در حدود و ثغور روابط آقای بازگان در مورد امیرانتظام، یزدی و صباغیان می‌گوید: "من پاک تراز انتظام، یزدی، صباغیان، پیدانکردم" دیگر خوب مطمئن می‌شویم که هر کس را آقای بازگان تائید کند دوست و با جاسوس امپریالیسم آمریکا، دشمن طبقه کارگر و تمام خلق های مستمکن ایران است.

بیشتر روشن می‌شود که در مورد ارتباط انجام وظیفه در حدود و ثغور روابط آقای بازگان در مورد امیرانتظام، یزدی و صباغیان می‌گوید: "من پاک تراز انتظام، یزدی، صباغیان، پیدانکردم" دیگر خوب مطمئن می‌شویم که هر کس را آقای بازگان تائید کند دوست و با جاسوس امپریالیسم آمریکا، دشمن طبقه کارگر و تمام خلق های مستمکن ایران است.

این پروتکل شامل ۴ برگ است

پر توان باد جنبش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران